

بخشی از سفرنامه شین جیانگ

شهر تورپان^۱



دکتر محمد رضا الهامی

■ مدیر گروه زبان چینی / عضو هیئت مدیره انجمن دوستی ایران و چین

ماشینی با بلندگو مرتب به زبان چینی تبلیغ دولتی می‌کرد. در طول راه که به منزل آقای روزی می‌رفتیم، نیز مناظر جالب دیگری دیدم. در آنجا یک سینمای کوچک به نام «کلوپ دوستی شوروی» بود که در همان موقع مسئول جوان کلوپ داشت اسم فیلم‌ها و شروع سانس‌ها را بر روی تخته سیاه می‌نوشت. فیلم‌های اینجا اکثراً یا تولید سینمای ارومچی است یا چینی. البته فیلم‌های خارجی مثل هندی و ترکی و پاکستانی هم دوبله می‌شوند.

در طرف مقابل، سرکوچه، چند جوان ایستاده بودند. به محض دیدن دوربین، کوچک‌ترها جلو دویدند و من به همراه آن‌ها وارد کوچه شدم. شاخه‌های آنتن تلویزیونی مثل صلیب بر بام خانه‌ها نمودار بود و چند نفر هم در جلوی منازل به من خیره شده بودند. در مسیر تورپان به روستاهای «دَبَن چنگ»^۵ و «سایوپو»^۶ رسیدیم. در سایوپو بادبان‌های مولد برق در پنج ردیف شش‌تایی در جهاتی مختلف در مسیر کنار خیابان نصب شده بودند و با آن پایه‌های بلند و پره‌های دراز خود مناظر جالبی را ایجاد کرده بود. برایم جالب بود که از انرژی باد و خورشید استفاده‌ی بهینه می‌شد.

تورپان شهری است در جنوب شرقی ارومچی با ۱۸۴ کیلومتر فاصله و جمعیت آن با حومه، بیش از ۴۰۰ هزار نفر است که اکثراً اویغورند. آب و هوای آن از ارومچی خیلی گرم‌تر است و لذا دارای محصولات متنوعی از مرکبات می‌باشد. از همه مهمتر انگور مشهور تورپان است که به تمام نقاط چین صادر می‌شود. تورپان یکی از شهرهای توریستی چین محسوب می‌شود و یکی از مرکزهای جاده ابریشم بوده و آثار باستانی آن از اهمیت این شهر، در امر گسترش دادوستد و ایجاد روابط بازرگانی با کشورهای غرب، از جمله ایران، سخن می‌گوید. منار سلیمان^۲، شهر یارقول یا جیانوخه^۳، به علاوه مساجد گوناگون آن، از محل‌های دیدنی و توریستی به شمار می‌آیند.

در روز دوم سفر ارومچی، هوا نسبتاً آفتابی و گرم‌تر از دیروز بود. البته گرم بودن هوا در این موقع از سال کاملاً غیر طبیعی است و هر سال این موقع هوا سرد و برفی است. در مدت زمانی که در مرکز شهر منتظر کرایه تاکسی به تورپان بودم، از بازار اردوچو و مسجد خویی زوها^۴ و همینطور از گذر مردم در خیابان، فیلم‌برداری کردم. در همین هنگام

مسجد قادی خان (قاضی خان، Qa Zi Han)

این مسجد در سال ۱۹۸۳ بازسازی شده بود. ظاهر بیرونی آن بسیار زیبا و منقش به نقوش اسلامی بود که با وجود بوته‌های گل روبه‌روی آن، مناظر زیبایی در بهار می‌آفریند. در اکثر مجلات گردشگری، این مسجد نشانه و سمبل تورپان شناخته شده است. اما داخل آن همچنان دیوارهای خاکی و فروریخته است. بدون کم‌ترین مرمت و نقاشی، داخل مسجد روی تخته‌ی سیاهی، مراسم و روزهای بزرگداشت که آن‌ها را یوم... می‌نامند، از جمله روز عاشورا، نوشته شده بود. در همین زمان نوجوانی را دیدم که راه می‌رفت و کتاب می‌خواند و گویی چیزی به زبان عربی را حفظ می‌کرد. منظره‌ای که کمتر در این منطقه به چشم می‌آید، سه چهار نفری بودند که گویا به‌طور غیررسمی در کلاس‌های عربی و دروس اسلامی شرکت داشتند.

مسجد دونگ دسه^۷

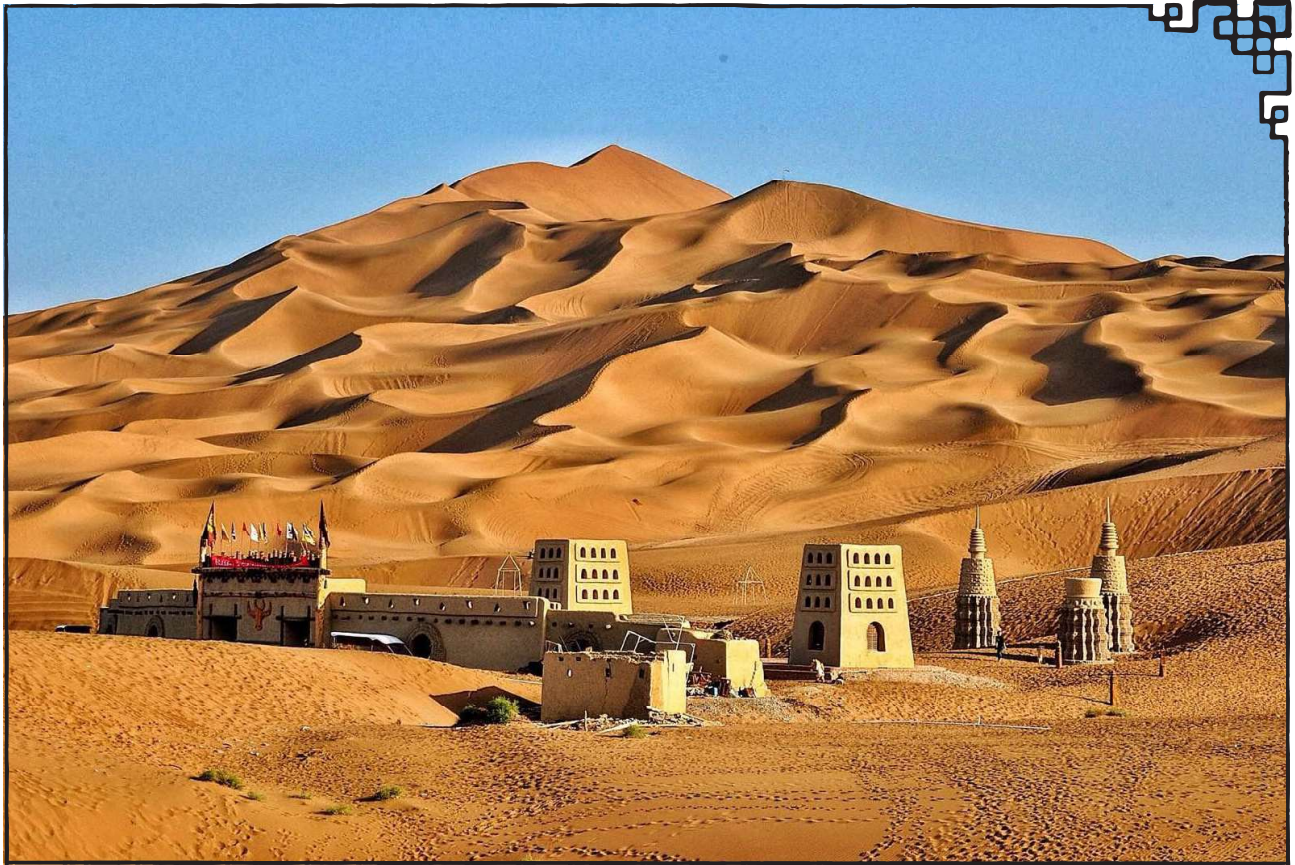
این مسجد که از آن خوبی زوها (قوم خوبی) است، شبیه مسجد «نن دسه» در ارومچی بود و بر خلاف اسمش چندان بزرگ نبود. معماری این مسجد شبیه ساختمان‌های قدیمی چین است و کمی رنگ و نقش هم دارد. برای همین اویغورها نژاد خوبی را بودیست می‌نامند، چون مساجدشان هم متأثر از معماری چین، شبیه معابد چین است. اما مساجد دارای مجسمه و سایر تعلقات بودایی نیستند. داخل مسجد که شدیم مناری شکسته و خراب شده دیدیم که از خشت خام ساخته شده و زمانی محل گفتن اذان بوده است. بعد هم صحنی برای نماز و عبادت و وضوخانه و دو خانه، که از آن خادم مسجد بود.

منار تورپان یا منار سلیمان

نزدیک غروب بود که دیدار از مساجد را کنار گذاشته و به سوی منار سلیمان در جنوب غربی کاشغر به راه افتادیم. تا منار قدری راه بود، ده دقیقه با سواری. وقتی به آن حوالی رسیدیم با صدای بوق ماشین، اهالی بیرون آمده و مهمانان ناخوانده را مشاهده می‌کردند. بچه‌ها بدون توجه به حضور ماشین و خطر آن، همچنان به بازی در کوچه‌های تنگ و سنگی یا نیمه آسفالت مشغول بودند. در کوچه باغهای آن روی می‌شدیم، خانه‌های متخلخل و تیرک‌های افقی روی دو چوب دیگر که یکی کوتاه و دیگری بلند بود نهاده

شده بودند. در بهار و تابستان بوته‌های انگور روی این تیرکها رشد می‌کنند و برداشت از آن‌ها هم آسان می‌شود. آن خانه‌های متخلخل هم برای گردش هوا و خشک کردن انگورها در سایه و تهیه کشمش به کار می‌روند. به منار رسیدیم، پس از صدا زدن، مناریان پیر، اما جواندلی به سوی ما آمد و درب ساختمان اصلی را باز کرد. این ساختمان که در زمان قدیم مدرسه ی علمیه و مسجد بوده، از خشت خام درست شده بود. درون ساختمان یک سالن بزرگ و چند حجره وجود داشت. سقف این سالن با گذر زمان بر اثر برف و باران فروریخته و سوراخی بزرگ در آن ایجاد شده بود. در حجره‌ای هم قبری وجود داشت که سنگ روی آن حاکی از تاریخی جالب و شنیدنی بود. نوشته‌های روی قبر به زبان فارسی و در آخر اویغوری حک شده بود. این قبر محل «امین خوجه پدر» است که از بزرگان اویغور بود. روی قبر نوشته شده است: هوا... الملک المستعان سلاطین زمان و خواقین دوران، صاحب العدل و الاحسان، باعث الامن و الامان، مروج شریعت غرای نبوی و مزین طریقت ثنیه، مصطفوی - سلیمان ملک جهان ز نور دیده، ... وائک صاحبقران بو - مدرسه، میمونه، منوره برمناره، منقش معموره... اول شهنشاہ عالی مقدار و عزیز القدر... - سلیمان مؤسس منار و حاکم اویغوری می‌باشد.

در بیرون محوطه‌ی ساختمان، منار بلندی به طول ۳۷ متر سربرافراشته بود که از خشت خام درست شده و دارای ۷۲ پله در داخل بود، اما به دلیل خطر ریزش بالا رفتن از آن ممنوع بود. نقش‌های خشتی و جالب روی این منار حکایت از پیشرفت معماری در دویست سال گذشته می‌کرد. این نقش‌ها شباهت بسیاری به مناره‌های باستانی ایرانی دارد که با توجه به نوشته‌های سنگ قبرهای داخل مدرسه امری غیر طبیعی به نظر نمی‌رسید. این مناره‌ها اکثراً برای اذان و گاهی برای مقاصد نظامی به عنوان دیده‌بانی به کار می‌رفته است. این منار در واقع در سال ۱۷۷۷ میلادی و در زمان امپراطوری گن لونگ^۸ - ششمین امپراطور سلسله چینگ بنا شده است. درباره‌ی بانی این منار ۲۰۰ ساله، حاکم سلیمان یا پسرش ایمان که هر دو از حاکمان اویغوری دوره‌ی چینگ بودند، اختلاف نظر وجود دارد. منار و مدرسه در زمینی مرتفع‌تر از مناطق اطراف با مناظری زیبا و چشم‌نواز - که اکثراً زمین‌های سرسبز و حاصل خیز در بستر رودخانه‌اند - واقع شده است.



در هتل تورپان

این شهر دو هتل مشهور دارد. یکی هتل تورپان و دیگری هتل واحه. هر چند نام هتل گذاشتن بر آن‌ها کمی سنگین است و بیشتر حالت مهمانسرا دارند تا هتل. میدان کوچکی در شمال شرقی هتل واحه قرار دارد و در قسمت جنوب آن هتل تورپان واقع شده است. در همین میدان کوچک دو تابلوی بزرگ چشم مسافران را نوازش می‌دهد و نگاه‌ها را لحظه‌ای به خود معطوف می‌سازد. یکی تابلویی است با رنگ‌های شاد و روشن، از چهره‌ی شاداب پیرمرد، دختر جوان و کودک اویغور در کنار مردی از نژاد خن و خوشه‌های انگور در میانشان، که سمبل تورپان از نظر اقتصادی است. تابلوی دیگر مثل موضوعش خاموش و از یاد رفته بود، تابلویی از منار تورپان و مناظر اطراف آن، سمبلی تاریخی و فرهنگی از این شهر. در زیر آن نوشته شده بود: «برای بزرگداشت دو هزار و صدمین سال تاریخ جاده ابریشم». بعداً متوجه شدیم این نوشته مربوط به برگزاری کنفرانسی درباره همین موضوع است. در لابی هتل هم نقاشی و هم کاشی‌کاری وجود داشت که منظره‌ی مناره و مسجد را با فضای سبز اطراف آن ترسیم کرده بود و زیر آن نوشته شده بود: «تورپان زیبا»

در رستوران هتل، دو نفر زن چینی و سه زن اویغور و سه جوان خن زو کار می‌کردند. به محض ورود ما، نگاه‌هایشان طبق معمول به طرف ما و من به عنوان توریست خارجی، کشیده شد. غذای رستوران همان غذا به سبک چینی بود با مزه‌های ترش و تند طرفهای سی‌چوان و فقط به جای چای چینی چای اویغوری خوردیم و نان هم سرمیز بود. غذا هیچ شباهتی به غذای اویغوری نداشت، فقط به جای گوشت گاو یا خوک، از گوشت گوسفند با ذبح اسلامی استفاده کرده بودند. ■



- ۱- 吐鲁番 / Tūlǔfān
- ۲- 苏公塔 / Sūgōngtǎ
- ۳- 交河故城 / Jiāohé gùchéng
- ۴- 南大寺 / Nándàsì
- ۵- 达坂城 / Dábǎnchéng
- ۶- 柴窝堡 / Cháiwōbǎo
- ۷- 东大寺 / Dōngdàsì
- ۸- 乾隆 / Gānlóng